

دانشکده اصول الدین
تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد
گروه علوم قرآن و حدیث

موضوع :

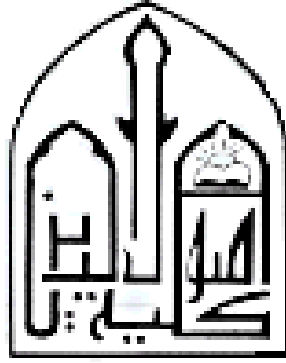
راویان و محدثان سمرقند

استاد راهنما :
دکتر سید کاظم عسکری

استاد مشاور :
دکتر مجید معارف

نگارش :
الهام قاسمی

نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۶ - ۱۳۸۵



كلية أصول الدين
طهران

رسالة ماجستير
قسم : علوم القرآن و الحديث

عنوانها :

راويان و محدثان سمرقند

الاستاذ المشرف :
الدكتور سيد كاظم عسكرى

الاستاذ المشاور :
الدكتور مجيد معارف

اعداد :
الهام قاسمى

١٤٢٨ - ١٤٢٧ هـ

تشکر و تقدیر

با سپاس از جناب آقای دکتر عسگری که عهده دار راهنمایی بنده در طول این پژوهش بودند و همواره از راهنمایی ها و مساعدت هایشان بهره بردم .
و جناب آقای دکتر معارف که سال هاست از محضر ایشان بهره مند و در تمامی مراحل این رساله از هیچ مساعدت و کمکی دریغ نورزیدند .
و پدر و مادر عزیزم که اولین اساتید عرصه زندگیم بودند و به همت و یاری ایشان بوده که به این طریق رهنمون شدم .

تقدیم به :

بنیانگذار حدیث شیعه حضرت امام ابو

عبدالله

جعفر بن محمد

الصادق (ع)

و

بنیانگذار تشیع در

سمرقند

محمد بن مسعود عیاشی

و

حضرت علامه سید

مرتضی عسگری

که پاسدار حریم

تشیع بودند

و

تمامی راویان و محدثانی که

در راه

نشر و ترویج احادیث معصومین (ع)

از هیچ تلاشی مضایغه نکردند .

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول

کلیات

۲

فصل دوم

مفاهیم بنیادی

۸

راوی

۹

محدث

۱۱

جایگاه سنت در علوم اسلامی

۱۲

فصل سوم

سیمای سمرقند

۲۳

واژه سمرقند

۲۴

بنیانگذار سمرقند

۲۵ حدود، وسعت، جمعیت و آب و هوای سمرقند

۲۶

بخش ها و روستاهای سمرقند	۲۸
فتح سمرقند به دست مسلمین	۳۰
حضور صحابه و آل علی بن ابی طالب در سمرقند	۳۳
گرایش های مذهبی در سمرقند	۳۵
تشیع در سمرقند	۳۶
مساجد سمرقند	۳۷
مدارس سمرقند	۳۸
مزارات سمرقند	۴۰

فصل چهارم

راویان و محدثان سمرقند	۴۴
------------------------	----

فصل پنجم

ارتباط سمرقند با سایر حوزه های حدیثی	۱۳۶
راحلان حدیثی از سایر حوزه ها به سمرقند	۱۳۷
راحلان حدیثی از سمرقند به سایر حوزه ها	۱۸۲
نتیجه گیری	۱۹۵
فهرست منابع و مآخذ	۱۹۸

چکیده

در این رساله پس از بیان شیوه ها و مسائل مرتبط با پژوهش و مقدمات تالیف در کلیات ، به تعریف لغوی و اصطلاحی واژه محدث و راوی پرداختیم تا بدین وسیله هم معنای این دو واژه را دریابیم و هم ملاک خود را در شناخت راویان و محدثانی که در ادامه ذکر خواهد شد ، معرفی کنیم .

سپس به بحثی با عنوان منزلت حدیث در علوم اسلامی پرداختیم تا با روشن شدن حجیت حدیث و کاربرد حدیث در علوم اسلامی ، اهمیت پرداختن به سلسله راویان نیز مشخص شود . در ادامه به بررسی ویژگی های تاریخی و جغرافیایی شهر سمرقند پرداختیم تا ضمن آشنایی اجمالی با این منطقه ، درک صحیحی از اطلاعاتی که در مورد راویان به دست می آید ؛ داشته باشیم .

سپس به معرفی افرادی پرداختیم که در شهر سمرقند به امر نقل و روایت حدیث اهتمام داشتند ، خواه آنکه خاستگاه آنان شهر سمرقند بوده و یا اینکه رشد و نمو علمی آنان در این منطقه بوده صورت گرفته باشد .

در آخر با معرفی افرادی که با ورود به سمرقند روایاتی را که در اختیار داشتند برای مردم نقل کردند و یا از مشایخ آن دیار حدیث اخذ کردند و همچنین افرادی که با خروج از سمرقند و سفر به سایر بلاد اسلامی مبلغ احادیث و اخباری شدند که از مشایخ خود در سمرقند کسب

کرده بودند و نیز به کسب علم در سایر حوزه ها مشغول شدند ؛ سعی در روشن کردن ارتباط
سمرقند با سایر حوزه ها کردیم و در پایان به نتایج حاصله از پژوهش در این مباحث پرداختیم

فصل اول

کلیات

کلیات

با حمد بی کران به درگاه ایزد منان و نثار درود و صلوات به پیشگاه نبی رحمت و حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم و ابلاغ سلام و تحیت به اهل بیت و ذریه آن بزرگوار ، خصوصاً بنیانگذار حدیث شیعہ و احیاگر سنت نبوی ، امام به حق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

بر هیچ مسلمان آگاه و علاقه مندی پوشیده نیست که پس از قرآن کریم ، دومین مرجع مهم و معتبر در شناخت احکام و عقاید اسلامی ، سنت و روایات معصومین علیهم السلام است . اعتبار و جاودانگی این ذخیره بزرگ حقیقتی است که خداوند منان در آیات مختلف تذکر داده و رجوع به آن را برای مسلمانان ضرورتی قطعی اعلام فرموده است و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز با صدور حدیث ثقلین حجیت سنت و سیره عترت خویش را مورد امضا قرار داده داده است . از دیگر سو سنن و روایات پیامبر (ص) و امامان (ع) در طی تاریخ پرفراز و نشیب خود با حوادث و نابسامانی های مختلفی روبه رو شده است در طول تاریخ اسلام این راویان و محدثان حقیقی بودند که به حفظ و حراست از این گنجینه ارزشمند اسلامی پرداختند و با نقل سینه به سینه و تحمل رنج و مشقت سفر برای شنیدن حدیث و پس از آن با تالیف کتب در حفظ ثقل اصغر کوشیدند و اگر این تلاش ها صورت نگرفته بود ، مشخص نبود چه میزان

از منابع اسلامی ما در گذر زمان به دست فراموشی سپرده می شد ، اما در این میان افرادی نیز بودند که با وارد کردن خود در زمره راویان به دنبال مقاصد شوم خود بودند و به جعل و تدلیس حدیث پرداختند و با استعانت از حمایت های حاکمان جور و نادانی عامه مردم توانستند آنها را در میان احادیث رایج وارد کنند . این مساله باعث پدید آمدن علم رجال شد که با کسب شناخت از راویان تمیز سره از ناسره احادیث ممکن خواهد بود . در این پژوهش بر آنیم تا با استعانت از منابع رجالی ، برخورداری و رواج حدیث و علوم وابسته به آن را در یکی از شهرهای سرزمین اسلامی بررسی کنیم .

در این فصل به عناوینی که مسیر و علت تحقیق را روشن می سازد ، اشاره می شود :

بیان موضوع :

با مشاهده آثاری چون رجال کشی که در شیوه تالیف بی همتاست و در سمرقند تالیف شده و همچنین آثار و تالیفات شیخ صدوق که در آنها به اخذ حدیث از مشایخ سمرقند اشاره صریح و روشن دارد ، پی می بریم که اهالی این منطقه به نقل و روایت حدیث توجه داشته اند . لذا سعی در تفحص و استخراج نام تمامی افرادی که در این منطقه اعم از شیعه و سنی به نقل و ترویج حدیث اشتغال داشتند ؛ کردیم .

بیان هدف :

اهم اهداف مورد عنایت در این رساله به شرح ذیل است :

۱. روشن شدن شرح حال افرادی که در حوزه سمرقند به نقل و ترویج علوم اسلامی به

خصوص حدیث و علوم مرتبط با آن اشتغال داشتند .

۲. روشن شدن نام و شرح حال راحلان حدیثی که با ورود به سمرقند مبلغ مناهج فکری و

احادیث رایج در منطقه خود بودند .

۳. روشن شدن شرح حال راحلان حدیثی که از سمرقند به سایر بلاد اسلامی سفر کردند و به کسب علم و نقل روایت پرداختند .

بیان فرضیه :

فرضیه های این تحقیق عبارتند از :

۱. حوزه حدیثی سمرقند از رونق خاصی در نقل حدیث و تعلیم علوم مرتبط با حدیث برخوردار بوده است .
۲. مشایخ بسیاری به تعلیم حدیث اشتغال داشتند .
۳. نقل و روایت احادیث به قشر و مذهب خاصی اختصاص نداشته و بین همه مردم رایج بوده است .
۴. اهمیت احادیث و علوم رایج در این منطقه تا حدی بوده که شیخ صدوق در تالیفات خود از آن بهره برده است .
۵. کثرت روایات کتاب رجال خود را از مشایخ این ناحیه کسب کرده است .

سابقه تحقیق :

در تمامی کتب رجال شیعه و اهل سنت به ذکر شرح حال راویان از تمامی بلاد اسلامی پرداخته شده است ، اما تالیف مجزایی در این زمینه وجود ندارد ، تنها پژوهشی که در دوران معاصر شکل گرفته و در بخشی از آن به روات سمرقند اشاره شده است ، کتاب نقش ایرانیان در نشر حدیث تالیف خانم دکتر تهامی است که البته رویکرد کاملاً متفاوتی با دیدگاه ما در این رساله بر آن پژوهش حاکم بوده است .

روش کار و تحقیق :

در تالیف این رساله در ابتدا به بحث های مقدماتی تعریف واژگان و جایگاه حدیث و تاریخ و ویژگی های شهر سمرقند پرداخته و سپس با مراجعه به کتب رجال به گردآوری اسامی روات

و راحلان سمرقند پرداختیم و در گردآوری اطلاعات این بخش و تقسیم آن به روایت و یا

راحلان ملاک هایی داشتیم که عبارتند از :

۱. از آنجا که خانه عیاشی جایگاهی برای تعلیم و تعلم شیعیان بوده ، لذا هر فردی که از شاگردان عیاشی بوده ، در فصل چهارم ذکر شده است .
۲. از آنجا که در شرح حال کشی به هیچ رحله حدیثی اشاره نشده است ، لذا مشایخ کشی با هر انتسابی که داشتند در شمار سمرقندی ها از آنان یاد کردیم .
۳. تمامی افرادی را که به شهرها و قریه های سمرقند منسوب بوده اند ، در فصل چهارم ذکر کردیم ، چرا که عادتاً افراد برای رشد علمی به بزرگ ترین شهر های ناحیه کوچ می کنند و ضمناً منظور ما از سمرقند تمامی نواحی متعلق به این شهر بوده است .
۴. نام افرادی که به سایر بلاد اسلامی منسوب بودند و یا از سایر بلاد اسلامی به سمرقند آمده اند و در آنجا ساکن شده اند و رشد علمی آنها در این منطقه بوده ، در فصل چهارم ذکر شده است .
۵. نام افرادی که به سمرقند و نواحی اطراف منسوب بودند و در شرح حالشان سفری ذکر نشده در فصل چهارم آوردیم .
۶. نام افرادی که به سمرقند و نواحی آن منسوب بودند و در شرح حالشان گزارشی منوط به سفر آنها به سایر بلاد اسلامی آمده در فصل پنجم ذکر شده است .
۷. در مشخص کردن رحلات حدیثی افراد به گزارشات کتب رجال تکیه شده است و نه انتسابات مشایخ افراد .

دشواری های حین پژوهش :

در تالیف این رساله به دشواری هایی دچار بوده ایم از جمله :

۱. گستردگی منابع رجالی
۲. وجود گزارشات متعدد و ضد و نقیض در شرح حال افراد

۳. اختلاف علمای رجال در اتحاد و یا تفرقه افراد با اسامی و انتسابات مشابه
۴. عدم وجود معادل متناسب و گویای فارسی برای الفاظ و توصیفات رجالی
۵. عدم وجود مبنایی روشن برای انتساب روات به شهرها
۶. مشخص نبودن مذهب روات در گزارش های رجالی
۷. روشن نبودن انتساب افراد و منتسب بودن بسیاری از راویان به « الفارسی » که این لفظ بسیار کلی است و مدلول مشخص و روشنی ندارد .
۸. انتساب تعداد زیادی از راویان به « الخراسانی » که متأسفانه به دلیل اینکه خراسان محدوده بسیار وسیعی را شامل می شده ، نمی توان به روشنی مشخص کرد که فرد به کدام ناحیه از نواحی خراسان تعلق دارد و به همین دلیل از ذکر اسامی و شرح حال این افراد خودداری کردیم <
۹. روشن نبودن نام دقیق مشایخ و یا شاگردان افراد
۱۰. از بین رفتن آثار تالیف شده در این ناحیه ، در طول تاریخ

ساختار کلی رساله :

فصل اول : کلیات

فصل دوم : مفاهیم بنیادی

فصل سوم : سیمای سمرقند

فصل چهارم : راویان و محدثان سمرقند

فصل پنجم : ارتباط سمرقند با سایر حوزه های حدیثی

الهام قاسمی

فصل دوم

مفاهیم بنیادی

- راوی

- محدث

- منزلت حدیث در علوم اسلامی

مفاهیم بنیادی

از آنجا که اهتمام این پایان نامه به شناسایی راویان و محدثان سمرقند است لذا لازم دیدیم در ابتدا همراه با تعریف اصطلاحی واژه راوی و محدث دیدگاهی که در این نوشتار، معیار

شناسایی روای حدیث قرار گرفته را توضیح دهیم و پس از آن نیز برای نشان دادن اهمیت و لزوم پرداختن به شناسایی روای حدیث، ضرورت داشت که در ابتدا جایگاه و اهمیت حدیث در علوم اسلامی را بیانگر شویم.

راوی

این اصطلاح از زمره اصطلاحاتی است که پیش از ظهور اسلام نیز در میان اعراب کاربرد داشته و بعد از اسلام تغییر معنایی یافته است. در فرهنگ اعراب به کسی راوی اطلاق می شده است که حامل شعر و ناقل آن بوده و همه شاعران جاهلی را به این نام شهرت داشته اند، چراکه شعر را حفظ می کردند و برای دیگران نیز نقل می کردند و بعد از ظهور اسلام این عنوان به کسانی که حدیث از پیامبر نقل می کردند اطلاق شد.^۱

این واژه از پایین ترین درجه اعتباری در میان اهل حدیث حکایت دارد، چنانچه سیوطی در تدریب الراوی در مشخص کردن حد ناقلان حدیث از مسند آغاز می کند و اصلاً از این واژه نذری به میان نمی آورد.^۲ پس از وی نیز در آثاری چون تیسیر مصطلح الحدیث، قواعد التحدیث و علوم الحدیث و قواعد، همانند وی عمل کرده و از این واژه نذری نکرده اند، اما برخی دیگر همانند مولف السراج المنیر فی القاب المحدثین مسند و راوی را رتبه برابر دانسته است.^۳ اما برخی دیگر چون نورالدین عتر در کتاب خود منهج النقد فی علوم الحدیث راوی را لفظی کلی دانسته که به هر کسی که با یکی از طرق تحمل، حدیثی را نقل کند خواه در طلب آن مسافرت کرده باشد یا خیر اطلاق می شود و به حسب مرویاتشان و توجهشان به علوم

^۱. عبد الهادی فضلی، اصول الحدیث، بیروت، ام القری، ۱۴۱۶ هـ، ص ۲۲۴ (با ترجمه و تلخیص)

^۲. برای اطلاعات بیشتر به جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر السیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۱، ص ۲۴ مراجعه شود.

^۳. سعد فهمی احمد بلال، السراج المنیر فی القاب المحدثین، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۷ هـ، ص ۴۵ و ۴۶ (ترجمه)

حدیث , آنها را به شش درجه علمی تقسیم می کند و شرایط احراز هر کدام از این درجات علمی را نیز ذکر می کند.^۴

در کتاب السراج المنیر فی القاب المحدثین ذیل این واژه آورده است که راوی هر فردی است که حدیث را روایت کند خواه آنکه به آن علم داشته باشد مانند بخاری و مسلم و خواه آنکه به آن علم نداشته باشد و تنها ناقل آن باشد.^۵ همچنین علامه مامقانی در مقباس الهدایه راوی را مترادف با آحاد سند و از موضوعات علم رجال معرفی کرده است و از الفاظی دانسته که مفید قدح و مدح نیستند و راوی را کسی دانسته که حدیثی را خواه مرسل یا مسند نقل کند و دانشی در شناخت متن و سند حدیث نداشته باشد.^۶ ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اکثر مولفین کتب علوم حدیث شرایطی را برای قبول خبر راوی ذکر کرده اند که بر برخی از آنها همگی اتفاق نظر دارند , از جمله : اسلام , عقل , بلوغ , ضبط , عدالت.^۷

با توجه به آنچه که نقل شد به این نتیجه می رسیم که راوی لفظ عامی است که بر هر فردی که حدیثی نقل کرده باشد , دلالت می کند , چه آنکه به علوم و فنون مربوط به متن و اسناد حدیث علم داشته باشد و یا خیر و چه آنکه برای کسب حدیث مسافرت داشته باشد یا خیر و برحسب کثرت مرویات و علم به آن به درجه های متعددی تقسیم بندی می شود.

محدث

محدث از شوون علمی راویان حدیث است که با احراز شرایطی خاص به آنها اطلاق می شود. در مقباس الهدایه آمده است که محدث به کسی که به سنت اشتغال دارد در مقابل کسی که به

^۴. نور الدین عتر, منهج النقد فی علوم الحدیث, بیروت, دار الفكر المعاصر, ۱۴۱۲هـ, ص ۷۵ (ترجمه)

^۵. سعد فهمی احمد بلال, همان

^۶. عبد الله مامقانی, مقباس الهدایة فی علم الدراية, قم, نشر مهر, ۱۴۱۳هـ, ج ۷, ص ۴۵ و ج ۳, ص ۴۹ و ۵۲) با تلخیص و ترجمه)

^۷. برای اطلاعات بیشتر به سعد فهمی احمد بلال, ص ۴۷ تا ۵۱ و زین الدین بن علی بن احمد البجعی العاملی (شهید ثانی), الرعاية فی علم الدراية, قم, مکتبة آية الله العظمی مرعشی, ۱۴۰۸هـ, ص ۱۸۱ تا ۱۸۲ و محمود طحان, تیسیر مصطلح الحدیث, کویت, مکتبة دار التراث, ۱۴۰۴هـ, ص ۱۴۵ و ۱۴۶ مراجعه شود.

تاریخ و مانند آن اشتغال دارد گفته می شود^۸ و نیز اطلاق اخباری بر محدث را صحیح می داند در صوتیکه خبر را مترادف با حدیث در نظر بگیریم و در اینصورت محدث همانند اخباری متضاد با مجتهد خواهد شد.^۹ البته این قول با اقوال سایر علمای علم الحدیث مخالف است و در سایر کتب تعریفی اینچنین از این لفظ نمی توان یافت کما اینکه سیوطی در تدریب به نقل از ابن سمعانی آورده است که محدث عالمی است که علم متن و سند دارد و فقیه کسی است که تنها علم متن دارد و به سند علم ندارد و حافظ کسی است که تنها علم به اسناد دارد و به متن علم ندارد.^{۱۰} علامه مامقانی نیز در بخشهای دیگری از این کتاب تعریفات روشن تری در این زمینه ذکر کرده است.

در معجم مصطلحات الحدیث آمده است محدث کسی است که سند حدیث را حفظ کند و علم به جرح و تعدیل رجال سند نیز داشته باشد،^{۱۱} البته لازم به تذکر است که علامه مامقانی و سیوطی این تعریف را تعریف فقها از این واژه می دانند.^{۱۲} در کشف اصطلاحات الفنون آمده است که محدث کسی است که سماع و کتابت و قرائت حدیث داشته و تحمل حدیث وی همراه با درایت باشد و در طلب حدیث به شهرهای مختلف سفر کرده و کتب مسانید و علل و تاریخ را فراگرفته باشد^{۱۳} در قواعد التحدیث شناخت اسانید و علل حدیث و اسماء رجال و حفظ متون و سماع کتب سته و مسانید و معاجم مختلف را به این شروط افزوده است^{۱۴} و سیوطی شناخت عالی و نازل و سماع مسند احمد بن حنبل و سنن بیهقی و معجم طبرانی و هزار جزء از اجزاء حدیثی را از شروط محدث می داند و معتقد است که این مراتب و علوم اقل درجات برای محدث است و به نقل از فتح الدین سید الناس نقل می کند که محدث باید به روات و روایات

^۸ . مامقانی ، همان ، ج ۲ ، ص ۱۷۰ (با تلخیص و ترجمه)

^۹ . همان ، ج ۵ ، ص ۲۷ (با تلخیص و ترجمه)

^{۱۰} . سیوطی ، ج ۱ ، ص ۲۴ (ترجمه)

^{۱۱} . سلیمان مسلم الحرش و حسن اسماعیل الجمل ، معجم مصطلحات الحدیث ، ریاض ، مکتبه العبیکان ، ۱۴۱۷ هـ ، ص ۹۵ (ترجمه)

^{۱۲} . مامقانی ، همان ، ج ۳ ، ص ۵۰ و سیوطی ، همان .

^{۱۳} . محمدعلی تهانوی ، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم ، بیروت ، مکتبه لبنان ناشرون ، ۱۹۹۶ م ، ج ۲ ،

ص ۱۴۸۶ (با تلخیص و ترجمه)

^{۱۴} . محمد جمال الدین قاسمی ، قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث ، بیروت ، موسسه الرساله ناشرون ، ۱۴۲۵ هـ ، ص ۱۰۹ (ترجمه)

عصرش شناخت داشته باشد و به ضبط مشهور باشد و سایرین خطش را به سبب کثرت نوشتن جواب های مردم بشناسند و در پایان افزوده است که این تعریفات به حسب زمانه زندگی افراد متفاوت است.^{۱۵}

اگر بخواهیم چنین تعریفات و شروطی را برای محدث در نظر بگیریم حتما باید این لفظ حامل معنای وثاقت و یا حداقل مدح باشد، درحالیکه علامه مامقانی لطف محدث را از الفاظ مستعمل در کتب رجالی می داند که مفید مدح و قدحی نیستند^{۱۶} و نیز علامه قاسمی معتقد است در گذشته مراد از محدث لفظ حافظ بود^{۱۷} و چنانچه ذکر شد سیوطی به عامل زمانه را برای در نظر گرفتن شروط عملی محدث توجه دارد و از آنجا که در کتب رجالی و مصطلحات مبنای شناخت و شرایط محدث در هر قرن و زمانی معرفی نشده و تشخیص آن کار مشکل و شاید محالی باشد بنابراین می توان نتیجه گرفت که محدث فردی است که علم به سند و متن روایات دارد و بر حسب زمانه شروط علمی دیگری بر این تعریف افزوده می شود تا بتوان فردی را محدث قلمداد کرد.

جایگاه سنت در علوم اسلامی

علمای علم لغت، سنة را به معنی سیره و طریقه خواه حسنه و یا قبیح و سیئه دانسته اند^{۱۸} و زبیدی افزوده است که در ادله شرع منظور از کتاب و السنة، قرآن و حدیث است^{۱۹}. سنت در عرف محدثین مترادف با حدیث و منظور از حدیث آنچه از قول و فعل و تقریر حضرت

^{۱۵}. سیوطی، همان، ص ۲۷ و ۲۹ (با تلخیص و ترجمه)

^{۱۶}. مامقانی، همان، ج ۳، ص ۴۹ (ترجمه)

^{۱۷}. قاسمی، همان

^{۱۸}. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ هـ، ج ۵، ص ۲۱۳۹ و احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بی جا، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳، ص ۶۱ و لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ هـ، ج ۱۳، ص ۲۲۵ و محمد بن یعقوب فیروز آبادی، قاموس المحيط، بی جا، بی نا، بی تا، ج ۲، ص ۵۴ و مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱۸، ص ۳۰۰ (ترجمه)

^{۱۹}. زبیدی، همان

رسول (ص) است که به ما رسیده.^{۲۰} البته لازم به ذکر است، که تنها تفاوتی که در دیدگاه شیعیان و اهل سنت در تعریف سنت وجود دارد، این است که اهل تشیع سنت را فعل و قول و تقریر همه معصومین می دانند ولی اهل سنت تنها فعل و قول و تقریر پیامبر (ص) را سنت می دانند و برای آن اعتبار و حجیت قائلند. در این قسمت به دو مبحث خواهیم پرداخت:

ادله حجیت سنت

کاربرد حدیث در علوم اسلامی

ادله حجیت سنت

سنت دومین مصدر تشریح اسلام بعد از قرآن است و قبول حجیت آن از ضروریات دین اسلام است و اگر کسی حجیت سنت را منکر شود، گویی منکر قرآن شده است، چرا که احکام قرآن بدون اقوال و احادیث پیامبر (ص) قابل شناخت کامل نیست و اگر سنت حجیت نداشته باشد، همه عبادات و احکامی که تفصیل آنها تنها از طریق سنت به ما رسیده است، بی معنی می شود.^{۲۱} در ادله اثبات حجیت سنت عموم علما به قرآن و سنت و اجماع و عقل استناد کرده اند، ما برخی چون عبد الغنی عبد الخالق تا هفت دلیل در اثبات حجیت سنت ذکر کرده است که عبارتند از:

۱. عصمت

۲. تقریر خداوند بر تمسک صحابه به سنت

۳. قرآن

۴. سنت

۵. عدم امکان عمل به قرآن به تنهایی

^{۲۰} عبد السلام بن برجس آل عبد الکریم، الاهتمام بالسنة النبویة، ریاض، دار الصمیغی، ۱۴۲۵ هـ، ص ۲۰

(ترجمه)

^{۲۱} صائب عبد الحمید، تاریخ السنة النبویة ثلاثون عاما بعد النبی، بی جا، بی نا، بی تا، ص ۲ (با تلخیص و ترجمه)